

## ۲ - گسستن در تحصیل معرفت‌الله از تقلید روسا و علماء دینی

از حضرت بهاء‌الله در لوح خطاب بنصیر است قوله العلی: "اول علمای عصر بر اعراض و اعتراض قیام نمودند اگر چه اعراض امثال این نفوس بر حسب ظاهر سبب اعراض خلق شد و لکن در باطن خلق سبب اعراض این نفوس شده‌اند. مشاهده کن اگر ناس خود را معلق برد و قبول علما و مشایخ نجف و دونه نمیساختند و مومن بالله میشدند مجال اعراض از برای این علماء نمیماند چون خود را بی مرید و تنها ملاحظه مینمودند البتّه بساحت اقدس الهی میشتافتند و لابد بشریعه قدم فائز میگشتند و حال هم اگر اهل بیان از تشبّث بروسا خود را مقدّس نمایند البتّه در یوم‌الله از خمر معانی ربّانی و فیض سحاب رحمت رحمانی محروم نگردند. باسم حجابات غلیظه را بردرید و اصنام تقلید را بقوّت توحید بشکنید و بفضای رضوان قدس رحمان وارد شوید نفس را از آرایش ماسوی‌الله مطهّر نمائید و در موطن امر کبری و مقرّ عصمت عظمی آسایش کنید بحجاب نفس خود را محتجب مسازید چه هر نفسی را کامل خلق نمودم تا کمال صنع مشهود آید. پس در این صورت هر نفسی بنفسه قابل ادراک جمال سبحان بوده و خواهد بود."

و قوله الحقّ: "بگو ای قوم بقوّت ملکوتی بر نصرت خود قیام نمائید که شاید ارض از اصنام ظنون و اوهام که فی الحقیقه سبب و علّت خسارت و ذلّت عباد بیچاره‌اند پاک و طاهر گردد این اصنام حائل‌اند و خلق را از علّو و صعود مانع. امید آنکه ید اقتدار مدد فرماید و ناس را از ذلّت کبری برهاند."

## \*\*\*\*\*حاشیه\*\*\*\*\*

و در شرح آیه قرآنیّه و نزعنا من کلّ امة شهیدا فقلنا هاتوا برهانکم قوله فقلنا للامم هاتوا برهانکم علی صحّة ما کنتم تدینون به . و در شرح آیه الا تعلوا علی و اتونی مسلمین قوله. و لیس الامر فیّه بالانقیاد قبل اقامه الحجّة علی رسالته حتّی یکون مستدعیاً للتقلید فان القاء الکتابه علیها علی تلک الحاله من اعظم الدلالات.

و در شرح آیه و اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا علیه آبائنا او لو کان الشیطان یدعوهم الی عذاب السعیره قوله: و هو منع صریح من التقلید فی الاصول.

و نیز در قرآن است قوله تعالی: "و اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما القینا علیه آبائنا او لو کان آباوهم لا یعقلون شیئا ولا یتدون و قوله تعالی و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول قالوا حسینا ما وجدنا علیه آبائنا او لو کان آباوهم لا یعقلون شیئا و لا یتدون.

و از شیخ طریحی در کتاب مجمع البحرین است: قال الشيخ ابو على رها خبر سبحانه عن الكفار منكرا عليهم او لو كان آباؤهم اى يتبعون آباؤهم فيما كانوا عليه من الشرك و عبادة الاوثان و ان كان آباؤهم لا يعلمون شيئا من الدين و لا يهتدون اليه و فى هذه الآية دلالة على فساد التقليد و انه لا يجوز العمل فى شئى من امور الدين الا بحجته و فيها دلالة على وجوب المعرفة و انها ليست ضرورية لانه سبحانه بين الحجاج عليهم ليعرفوا صحة ما دعاهم الرسول اليه و لو كانوا يعرفون الحق ضرورة لم يكونوا مقلدين لآبائهم ... عن ابى حمزة الثمالى قال قال لى ابو عبد الله اياك و الرياسة اياك ان تطاء اعقاب الرجال قال قلت جعلت فداك اما الرياسة فقد عرفتها و اما ايطاء اعقاب الرجال فما ثلثا ما فى يدى الا مما طئت من اعقاب الرجال فقال لى ليس حيث تذهيب اياك ان تنصب رجلا دون الحجة فتصدقه فى كل ما قال .

و نيز در كتاب مجمع البحرین است فى الحديث عن الصادق: لوددت اصحابى تضرب رؤوسهم بالسياط حتى يتفقهوا. و قال تفقهوا فى الدين فانه من لم يتفقهوا فى الدين فهو اعرابى ان الله يقول فى كتابه ليتفقهوا فى الدين و لينذروا قومهم اذ ارجعوا اليهم لعلمهم يحذرون .

در كتاب كافى باب التقليد . ابيعبد الله قلت له اتخذوا حبارهم و رهباؤهم اربابا من دون الله فقال اما و الله ما دعوهم الى عبادة انفسهم و لو دعوهم ما اجابوهم و لكن احلوا لهم حراما و حرما عليهم حلالا فعبدوا لهم من حيث لا يشعرون.